

جنبه های سیاسی و دیپلماتی

مسئله هرات و افغانستان

(در دوره قاجاریه تا معاهده پاریس)

بقلم

عبدالکریم

(دکتر در تاریخ - استاد دانشگاه)

پیوست مجله بررسی های تاریخی

روابط سیاسی

جنبه های سیاسی و دیپلماسی

مسئله هرات و افغانستان

(در دوره قاجاریه تا معاهده پاریس)

تکمیل

عبدالکریم

(دکتر در تاریخ - استاد دانشگاه)

دوره قاجاریه از شکفتن انگیز
ترین ادوار تاریخ ایران است .
دوره ای است که قدرتهای بزرگ
جهان از اقصای نقاط دنیا بعزل
کوناگون چشم بآن دوخته
داشتند . ایران مرکزی شده بود
که تمام قدرتها دور آن دایره
زده بودند . دایره ای بی ثبات و
ناآرام که هر گوشه اش میل به
درون داشت ، بمسارت روشن تر
کشورما که بگفته «تنسر» هیر -
بدان هیر بدارد شیر روزی محسود
اهل جهان بود و فرمانفرمای هفت
اقلیم تا اگر يك ایرانی کردهفت
کشور برآمدی هیچ آفریننده را
از بیم شاهان ایران زهره نبود که
نظر بی احترام بر او افکند ،
بصورت طعمه ای درآمده بود که

کرکسان هزارهزار گرداورافرو گرفته بودند و بر سر استفاده از موقع جغرافیائی و منابع طبیعی آن بر یکدیگر منقار میزدند، قاسرا انجام هر يك قطعه ای را بودند و آنچه که برای ما باقی ماند منحصر بیک نوار کوهستانی شد در حاشیه کویر مرکزی.

متأسفانه فصل مربوط بتاریخ قاجاریه هنوز بطور کامل بررسی نشده و این فصل که بدون تردید پردامنه ترین و مفصل ترین فصول تاریخ ایران و عبرت- انگیز ترین و پند آموز ترین فصول تاریخ جهان است، هنوز ناشناخته مانده است و یکی از انگیزه های که مطالعات محدود مرا منحصر بتاریخ قاجاریه ساخته همین است.

باری، در کتاب تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران که جلد اول آن چند سال قبل بزیور طبع در آمد شمه ای در باب روابط ایران و روسیه در سالهای پادشاهی آغا محمد خان قاجار و فتحعلیشاه و حوادثیکه بخصوص در ولایات شمال غربی ایران یعنی قفقاز رخ داده است بیان شده، اینک بر آن شدم که اگر توفیق حاصل گردد بحوادثیکه در ناحیه شرق ایران یعنی سرزمین هرات و افغانستان و بلوچستان رخ داده بپردازم و بصورت مقالاتی پی در پی بحضور هموطنان تقدیم دارم، آنگاه یکجا و در يك کتاب منتشر کنم و چون عظیم ترین و مهمترین حادثه مشرق جدا شدن خاک هرات و افغانستان از ایران است، ابتدا بآن می پردازم.

همچنانکه خوانندگان گرامی میدانند پس از قتل نادر سرداران او که بیش از بیست سال در رکاب او جنگیده بودند و فن کشور گشائی را یاد گرفته بودند هر يك بگوشه ای رفتند و برای خود بساط حکومت چیدند. در میان این سرداران نامجو، موفق تر از همه «احمد خان ابدالی» بود که بسمت قندهار رفت و برای خود حکومتی ترتیب داد. احمد خان علاوه بر اینکه خود سردار لایقی بود اوضاع زمان نیز با و مساعدت کرد زیرا پس از آنکه کریم خان زند بر سایر سردارانی که مدعی پادشاهی بودند پیروز شد بپاس حقوق نادرانکه داشت و متعرض «شاهرخ» نوه او که حکومت مشرق ایران را داشت نشد شاهرخ

نیز شاهزاده‌ای ناتوان و بی‌اراده بود و نتوانست بحکومت خود سر و سامانی دهد مضافاً باینکه کور شده بود و حوصله انجام اقدامات حاد و مهم نداشت. بنابراین احمد خان با فراغ خاطر و بی‌آنکه قدرتی مزاحم او گردد میدان را برای خود بازدید و سرزمینهای وسیعی را از ایران و هندوستان در حوزه حکمرانی خود درآورد. باینکه احمدخان ابدالی هیچگاه در صدد نبود که افغانستان را از ایران جدا سازد اما عملیاتی که در دوره حکومت خود انجام داد، مقدمه جدائی افغانستان از ایران شد. پس از آنکه آغا محمد خان روی کار آمد در سال آخر عمر بقصد سر و سامان دادن بولایات شرقی ایران عازم خراسان شد اما لشکر کشی ناگهانی «کاترین» هلکه روسیه او را از اجرای نقشه‌اش بازداشت و برای مقابله باروسها عازم قفقاز شد.

فتحعلیشاه نیز تقریباً در تمام دوره سلطنت گرفتار روسها بود و جز اقدامات ناچیز و بی‌اثر و چند لشکر کشی که بتحریر نمایندگان سیاسی انگلستان برای مشغول ساختن افغانه و جلوگیری از تاخت و تاز آنان به ولایات شمالی هندوستان صورت گرفت کار مهمی انجام نداد. تنها در سالهای آخر عمر که از گرفتاری روسها فراغت حاصل کرده بود عباس میرزا را مأمور رسیدگی باوضاع مشرق و سر و سامان دادن بامور آن نواحی نمود و چون در کتاب تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران جلد اول در مورد مسائل مربوط به مشرق ایران در زمان فتحعلیشاه فی‌الجمله بحث کرده‌ایم از تکرار مطالب خودداری میکنیم و دنباله مطلب را از آغاز پادشاهی محمد شاه میگیریم.

محمد شاه و هرات :

پیش از آنکه قضایای هرات را در زمان سلطنت محمد شاه شرح دهیم لازم است مختصر اشاره‌ای بسیاست آسیائی دولتهای انگلستان و روس بنمائیم تا بسهولة بعلل مخالفت دولت انگلستان نسبت با اقدامات دولت ایران در هرات و افغانستان پی ببریم

در اوایل سلطنت محمد شاه سیاست این دو دولت در کشورها مشخص و معین می‌باشد زیرا حرکت دائمی روسها بسمت هندوستان و جلوگیری

انگلیسیها از نزدیک شدن آنان بسرحدات هندوستان در این هنگام به اوج شدت رسیده و عکس‌العمل این دوسیماست در ایران بخوبی نمایان می‌باشد.

پیشرفت روسها در ناحیه ترکستان و بخارا و بسط نفوذ روز افزون آنان در ایران پس از انعقاد معاهده ترکمانچای سیاستمداران انگلیسی را به وحشت انداخته بود. - بخصوص که زعمای انگلستان متوجه شده بودند که محمد شاه و عمال دولت ایران برای جبران شکست از روسها توجه خود را بسمت مشرق ایران و افغانستان معطوف ساخته‌اند بطوریکه «لرد کرزن» در جلد دوم کتاب خود راجع بروابط سیاسی دولت انگلیس با ایران مینویسد: «در سال ۱۸۳۳ ما فوق‌العاده در اضطراب بودیم که مبادا از حرکت قشون ایران بطرف هرات خطری توجه ما شود».

سیاستمداران دولت انگلستان از سیاست دولت روسیه تزاری در مشرق ایران فوق‌العاده مضطرب و متوحش بودند. در این مورد «سرجان کاپیل» در گزارش رسمی خود در ژوئن ۱۸۳۵ (مطابق ماه صفر ۱۳۵۱ هجری قمری) به «لرد پالمرستون» خاطرنشان می‌سازد «که حرکات نظامی و نقشه‌های دولت روسیه تزاری بمنظور بسط و توسعه نفوذ خود در مشرق ایران - چنانکه در گزارشات قبلی خود مفصلاً شرح داده‌ام - روز افزون می‌باشد».

پس از جنگهای دوره دوم ایران و روس و انعقاد عهدنامه ترکمانچای در خراسان اغتشاشات مهمی بروز کرد و فتحعلیشاه عباس میرزا نایب‌السلطنه را مأمور انتظام امور آن سرزمین نمود. عباس میرزا پس از آنکه با اغتشاشات و ناامنی ناحیه خراسان خاتمه داد برای مدت کوتاهی به تهران بازگشت، ضمناً به کامران میرزا حاکم هرات دستور داد بدولت ایران مالیات بپردازد. در برابر پاسخ نامساعدی که از طرف کامران میرزا رسید عباس میرزا مصمم شد هرات را تسخیر نماید و بهمین مناسبت باردیگر عازم خراسان شد و با اینکه پزشکان در بار مسافرت ویرا بعلت کسالت او صلاح نمیدانستند، اندیشه نکرد و روی بخراسان نهاد. در بین راه به فرزند خود محمد میرزا قرمان داد که راه هرات را پیش گیرد و به محاصره آن شهر اقدام نماید و متعاقب آن قائم مقام را با سپاهی

ماهور کمک به محمد میرزا نمود و خود بسمت مشهد کوچ داد. محاصره هرات بطول انجامید و متأسفانه بیماری عباس میرزا در مشهد شدت یافت. قائم مقام و محمد میرزا مشغول محاصره هرات بودند که خبر فوت عباس میرزا در مشهد در تاریخ دهم جمادی الثانی ۱۲۴۹ برابر ۲۶ اکتبر ۱۸۳۳ بار دو گاه رسید.

قائم مقام پس از شنیدن خبر فوت نایب السلطنه با کامران میرزا صلح کرد و مقرر گردید کامران میرزا هر سال ۱۵ هزار تومان پول نقد و پنجاه طاقه شال کشمیری بدر بار ایران بفرستد و سکه باسم شاه ایران ضرب نماید و استحکامات «غوریان» را خراب کند.

ولی در نتیجه تغییرات و تحولاتی که در آغاز کار محمد شاه در ایران رخ داد کامران میرزا حاکم هرات علاوه بر اینکه بوعده های خود عمل ننمود حتی شروع بدست اندازی بنواحی سیستان نیز کرد و اموال سکنه آنجا را بتاراج برد، و هر چه میتوانست در نواحی خراسان دست بخرابی زد. در این مورد «مستر الیس» نماینده دولت انگلستان در تهران در گزارش شماره ۱۴ مورخ ۴ فوریه ۱۸۳۶ به «ویکونت پالمرستون» رفتار بدتر کمانانرا در ایالات شرقی ایران و باسارت در آوردن ایرانیان را شرح داده خاطر نشان میسازد شاه برای ختم غائله تر کمانان اقدام خواهد کرد؛ ضمناً مستر الیس بوزارت خارجه انگلستان اطلاع میدهد که اخبار رسیده تأیید میکند شاهزاده کامران نامه های متعددی به رؤسای افغان نوشته و همکاری آنانرا برای مقابله باشاه ایران خواستار شده است؛ در همین گزارش گوشزد میکند که دیار محمد خان، وزیر کامران میرزا مردی است جسور و باذوق و قریحه.^۱

محمد شاه در نتیجه مذاکرات با «سرهانری الیس» نماینده مخصوص انگلستان و «کاپیتان ما کدونالد» که برای تبریک جلوس محمد شاه بتهران آمده بودند و حامل نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۱۸۳۵^۲ «لرد پالمرستون» دایر به

۱ - گزارش شماره ۱۴ مورخ ۴ فوریه ۱۸۳۵ مستر الیس به ویکونت پالمرستون

London. Public Record Office. Foreiny Office

۲ - نامه ۲۱ اکتبر ۱۸۳۵ لرد پالمرستون Records Persia Fo. 60 T. 40

تبریک و تهنیت جلوس و تاجگذاری محمدشاه بودند متوجه شده بود که دولت انگلستان با اقدامات و برقراری نفوذ دولت ایران در هرات مخالف است. - از طرفی واضح بود که خودسری‌های حاکم‌هرات در نتیجه اقدامات و تحریکات عمال انگلیسی است که برخلاف مواد عهدنامه‌های منعقد شده با دولت ایران رفتار میکردند.

علاوه بر اینکه مأمورین انگلیسی تمام مساعی خود را برای عقیم گذاردن نقشه‌های دولت ایران برای لشکرکشی بسمت مشرق بکار می‌بردند حاکم هرات را نیز از هر حیث پشتیبانی نمیکردند. چنانکه مستر الیس نماینده دولت انگلستان در تهران طی نامه مورخ فوریه ۱۸۳۶ بشاهزاده کامران میرزای هرات نوشته متذکر شده است: «که دولت بریتانیای کبیر مایل است و نفوذ خود را بکار خواهد برد که صلح را در آن ناحیه حفظ کند. دولت بریتانیا بعلمت مراوده و تجارت با افغانستان همواره آرزو داشته که اوضاع آسمان مرفه و آسوده باشد. من بشما یادآور میشوم که موقع تبریک جلوس شاه تذکر دادم که بایستی صلح را در قسمت مشرق ایران حفظ کند و از جنگ پرهیز نماید و در این مورد مسئولان ایران بما وعده داده‌اند»^۱. چنانکه می‌بینیم عمال انگلیسی مایل بودند که آرامش در مشرق ایران برقرار باشد و تمام مساعی خود را نیز بکار می‌بردند که از لشکرکشی محمدشاه بسمت هرات جلوگیری نمایند در صورتیکه خود انگلیسیها معترف بودند که هرات متعلق بایران است و تمام مأموران انگلیسی این نظریه را تأیید مینمودند؛ چنانکه «مستر مک‌نیل»^۲ وزیر مختار انگلستان در ایران در گزارش مورخ ۲۴ نوامبر ۱۸۳۷ مطابق ۱۶ ذی‌قعدة ۱۲۵۲ خود چنین مینویسد:

«صرف نظر از ادعای دولت ایران راجع به تملک هرات اگر موضوع اختلاف را بین دو دولت مستقل فرض نمائیم اینجانب معتقد است که حق با دولت ایران است و هرات در

۱ - نامه مورخ فوریه ۱۸۳۶ مستر الیس به کامران میرزا

London. P.R.O..P. Fo. 60 T. 40

M.C. Neill - ۲

اینمورد تقصیر دارد. در موقع مرگ عباس میرزا که شاه فعلی از محاصره هرات دست کشید و مراجعت نمود مذاکرات طرفین بمقدار دادی منتهی شد که خطوط سرحدی در آن تعیین گردید و طرفین نیز تعهد کرده بودند که از حملات خصمانه نسبت بهمدیگر اجتناب نمایند. از آن تاریخ تاکنون دولت ایران بخاک افغانه هیچ دست اندازی نکرده در حالیکه پس از مرگ شاه سابق، حاکم هرات با ترکمن ها و ایل هزاره همدست شده و بخاک ایران تجاوز نموده و رعایای آن مملکت را بفلامی برده بودند و افغانه هرات این مشی تجاوزکارانه را لاینقطع ادامه میدهند و ایران برای جلوگیری از این دست اندازیهها بعملیات خصمانه مبادرت نورزیده است مگر اینکه تصمیم اخیر تصرف هرات چنین تلقی شود. بنا بر ارباب فوق شاه در حمله به قلمرو کامران میرزا و بی اعتنائی بیادآوری دایر به عدم مبادرت بچنین اقدامی محقق و ناگزیر می باشد.^۱

در نتیجه اقدامات و بدرفتاریهای کامران میرزا و دست اندازیهای وی بنواحی سیستان، محمدشاه تصمیم گرفت به هرات لشکر کشی نماید بطوریکه اقدامات نمایندگان دولت انگلیس برای جلوگیری و ممانعت از تصمیم محمدشاه به نتیجه نرسید؛ زیرا از یکطرف محمدشاه شخصاً مایل بود کار هرات را یکسره نماید از طرف دیگر نمایندگان دولت روس محمدشاه را بساین لشکر کشی قرغیب میگردند؛ این موضوع از گزارش مورخ ۸ ژوئیه مسترالیس به لرد پالمستون روشن میگردد، - در این گزارش نماینده بریتانیای کبیر اظهار میدارد که :

۱ - کتاب جنگ ایران و انگلیس تألیف کایتان هنت، ص ۸ تا ۱۰ - ترجمه حسین - سعادت نوری.

« دولت روسیه و نماینده آن - دولت شاه را به قشون کشی بسمت هرات تشجیع میکنند . در گزارشات قبلی راجع به تذکرات خود بدولت ایران برای حفظ صلح نوشتم ولی اصرار روسها بالاخره منجر به جنگ خواهد شد . در آخرین مذاکره که با حضور حاج میرزا آقاسی و میرزا مسعود وزیر خارجه ایران داشتم بآنان تذکره دادم که اقدام دولت ایران به لشکر کشی افغانستان - عدم توجه دولت ایرانرا به عدم تمایل دولت انگلستان نشان خواهد داد . میرزا آقاسی تذکره داد که افغانها در معیت قزاقان اراضی ایرانرا غارت کرده رعایای ایرانرا باسارت برده اند . اطلاعات رسیده دال بر اینست که میرزا مسعود وزیر خارجه ایران پروژه دولت روسیه را پشتیبانی میکند،^۱

در تعقیب همین گزارش دوروز بعد یعنی در دهم ژانویه ۱۸۳۶ مسترالیس به لرد پالمرستون از طرز رفتار مأموران دولت روس نسبت بانگلیسیها شکایت کرده اظهار میدارد :

« نفوذ روسها در دربار ایران روزافزون است و بنظر میآید روسها ایرانرا بیک لشکر کشی بطرف شرق تشویق میکنند . منظور روسها از تعقیب این سیاست اینست که «خیمه» را تصرف کنند و توجه ایرانرا بسمت افغانستان معطوف سازند .^۲

در دنبال همین گزارش در تساریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۳۶ مسترالیس به لرد پالمرستون طی گزارش مبسوطی مینویسد :

- ۱ - گزارش مورخ ۸ ژانویه ۱۸۳۶ مسترالیس به لرد پالمرستون
London. P.R.O. P.Fo. 60T. 40
- ۲ - گزارش مورخ ۱۰ ژانویه ۱۸۳۶ مسترالیس به لرد پالمرستون
London. P. R.O. P.Fo. 60T. 40

« من دولت ایران را به معاهده ایران و انگلیس متوجه ساختم و قد کر دادم که این اقدام دولت ایران منافع و امنیت امپراطوری هند انگلیس را بخطر میاندازد و باولمای ایران اخطار کردم که دولت انگلستان نمیتواند بعملیات لشکر کشی ایران بسمت افغانستان نظاره کند و در نتیجه نفوذ دولت روس بسمت هندوستان توسعه یابد . سفارت مادر تهران در مقابل نفوذ فوق العاده قوی روسها در دربار تهران وضع بدی دارد . »

یکماه بعد یعنی در ۱۵ فوریه ۱۸۳۶ در مورد اقدامات روسها در مشرق ایران مستر الیس در گزارش شماره ۱۸ خود به لرد پالمرستون چنین بیان میکند : « در اینجا از نظریات روسها درباره خیوه صحبت میکنند و میگویند برای حفظ تجارت و اتباع روس دولت تزاری روسیه مشغول تهیه استحضامات می باشد . من باید متأسفانه به لرد بگویم که شاه ایران باز از لشکر کشی بسمت هرات صحبت میکند . »^۱

کاپیتان هنت در کتاب جنگ ایران و انگلیس در این مورد چنین مینویسد : « در آن اوان مأمورین انگلیسی جهد داشتند که شاه جوان ایران را بهتر تربیتی که هست از قشون کشی بهرات منصرف نمایند و سعی کنند قضایا بوسیله مذاکرات دوستانه حل و تصفیه شود ولی « کنت سیمونیچ »^۲ وزیر مختار روس بیادشاه ایران توصیه کرد که تسخیر هرات که فعلاً با ده هزار نفر مرد جنگی امکان پذیر می باشد بطور قطع بعدها با چندین برابر این عده هم ممکن الحصول نخواهد بود . اسناد پارلمانی که حاوی نکات مهمی راجع به دیپلوماسی روسیه است حرکات عجیب و غریب دولت روس

۱ - گزارش مورخ ۱۰ فوریه ۱۸۳۶ مستر الیس به لرد پالمرستون

London. P.R.O. Fo. 60 T. 40

Conte Simonitch - ۲

را بخوبی روشن میسازد. اجمالاً اقدامات «کنت سیمونیچ» بقدری برخلاف مواعید دولت روس بود که لرد پالمرستون بالاخره در ۱۸۳۷ (۱۲۵۲ ه. ق.) به «اورل اودرهام»^۱ وزیر مختار بریتانیا مقیم «سن پترز بورگ» نوشت و بمشارالیه دستور داد که اقدامات خلاف «کنت سیمونیچ» را بدولت روس خاطر نشان سازد. وزیر مختار بریتانیا برطبق دستور با دولت مشارالیه وارد مذاکرات شد و «کنت نسلرود»^۲ در جواب اظهار داشت معلوم میشود بعضی حوادث موجبات سوء تفاهم برای «کنت سیمونیچ» فراهم کرده والا بمشارالیه دستور صادر شده است که شاه را در موقع ونسبت بهر موضوعی از جنگ منصرف نماید. ولی با این وصف نه فقط «سیمونیچ» شاه را به تسخیر هرات تشویق وترغیب مینمود بلکه حاضر شد که خود نیز شخصاً در بعضی از خدمات نظامی شرکت نماید.^۳

در این مورد مستر الیس در گزارش شماره ۳۵ مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۳۶ به لرد پالمرستون چنین مینویسد: «اطلاعات رسیده مشعر بر اینست که همکاری نزدیک بین روسیه و ایران در قضایای هرات موجود است. از طرف حاج میرزا آقاسی اطلاع داده شده روسها وعده داده اند در لشکر کشی هرات همکاری کرده و کمک مستقیم یا غیر مستقیم نظامی خواهند نمود».^۴

در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۸۳۶ طی نامه ای لرد پالمرستون «ماک نیل» را از طرف پادشاه انگلستان مأمور دربار ایران نمود^۵ و در تاریخ ۱۲۵۳ حاج میرزا آقاسی ضمن نامه ای تعیین مستر ماک نیل را بعنوان وزیر مختار انگلستان

۱ - Eurlie Uderham -

۲ - Conte Nesselroode -

۳ - کتاب جنگ ایران و انگلیس ص ۶-۷ ترجمه حسین سعادت نوری

۴ - گزارش شماره ۳۵ مورخ ۱۶ آوریل مستر الیس به لرد پالمرستون

London. P. R. O. P. Fo. 60 T. 40

۵ - نامه مورخ ۲۳ فوریه لرد پالمرستون London. P. R. O. P. Fo. 60 T. 42

در تهران به مسترالیس اطلاع داده و وی را از ورود ژنرال «لندزی»^۱ باخبر کرده است.^۲

تلاش و کوشش نمایندگان دولت بریتانیای کبیر برای ممانعت از اجرای نقشه محمدشاه به نتیجه نرسید، این بود که برای منصرف نمودن شاه از قشون کشی به هرات و متوجه ساختن افکار زمام داران دولت ایران بمسائل دیگر، در صدد ایجاد شورش و انقلاب در داخله ایران برآمدند و به تحریکاتی در نقاط مختلف ایران دست زدند: شورش آقاخان محلاتی، را در کرمان، غوغای کتک خوردن «سید هندی» در بوشهر، قتل و غارت ایرانیان را بدست عثمانیها در محمره و آزار زوار ایرانی را در اماکن متبر که دامن زدند و برای فیصله دادن باختلاف و حل مسئله «غوریان» بطور دوستانه و اجتناب از جنگ، «فتح محمدخان» از طرف کامران میرزا بتهران آمد و با حضور ملک نیل پیشنهاد نمود قراردادی به مضمون زیر به امضاء برسد:

۱- حاکم هرات تعهد میکند که حملات خصمانه و دست اندازی بخاک ایران را ترک گفته رعایای ایران را باسیری نگرفته و نفروشد.

۲- اگر شاهنشاه ایران قصد حمله بترکستان داشته باشد و از کامران شاه استمداد نماید مشارالیه متعهد میشود بقدر مقدور عده ای را به کمک بفرستد و آنها را برای حمله به ترکستان در اختیار والی خراسان گذارد و اگر برای فرستادن بآذربایجان نیز مورد احتیاج باشد کامران شاه رضا میدهد که آن عده بسرحدات آذربایجان گسیل شوند.

۳- کامران شاه تعهد می کند که مبلغی پول بعنوان خراج

۱ - Lindsay

۲ - نامه مورخ ۱۲۵۲ حاج میرزا آقاسی به مسترالیس

London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 41

سالیانه در عید نوروز به پادشاه ایران پیشکش کند .
 ۴ - حمایت تجاری را که بهرات و توابع میروند باحسن وجه تمهد نماید .

۵ - یکی از بستگان بلا فصل کامران شاه و یکی از منسوبین نزدیک یار محمد خان و شیر محمد خان برای مدت دو سال بطور گروگان در مشهد اقامت گزینند و پس از انقضای آن مدت اگر امرای هرات تمهد خود را اجرا نموده و نقض عهد نکرده باشند اشخاص فوق بهرات باز فرستاده شوند و در هر صورت بیش از دو سال در مشهد مجبور بتوقف نباشند و اگر یکی از تمهدات هرات نقض گردید و موقوف الاجرا ماند آن اشخاص را تا حین انجام تمهدات مزبور توقیف نمایند .

۶ - يك نفر وکیل از طرف کامران شاه در دربار شاهنشاه ایران اقامت نماید .

و اجرای تمهدات فوق از طرف کامران شاه منوط با اجرای تمهدات ذیل از طرف ایران میباشد:

۱ - شاهنشاه ایران کامران شاه را مثل برادر خود دانسته با او بطور احترام رفتار نماید .

۲ - حکام و مأمورین دولت ایران در موضوع جانشین کامران شاه بوجه من الوجوه مداخله ننمایند و مقابل هر يك از اعقاب و فرزندان وی که بجای او تعیین شود تمهدات فوق را اجرا کنند . شاهنشاه ایران نیز این تمهدات را معتبر بشناسد و بدون تغییر انجام نماید .

۳ - شاهنشاه ایران به مستملکات کامران شاه سپاهی نفرستد و از جنگ و دست اندازی و باسیر گرفتن اتباع او خودداری نماید و مأمورین شاهنشاهی نیز در امور داخلی

هرات مداخلاتی نکنند بلکه موجبات انجام تعهدات شاه کامران را فراهم نمایند.

۴ - دولت انگلیس واسطه و شاهد بین طرفین تعهدات خواهد بود تا هرگاه هر یک از طرفین تعهدات خود را نقض نمایند طرف متخلف را با اجرای تعهد خود وادار نماید.^۱

نمایندگان ایران پس از آنکه از مفاد پیشنهاد نمایند هرات اطلاع حاصل نمودند مبهور و متعجب شدند زیرا با امضاء چنین قراردادی دولت ایران در واقع تجزیه و استقلال هرات را قبول میکرد و در نتیجه تمام اقدامات نمایندگان دولت روس بی نتیجه می ماند و بازی بفرع دولت انگلستان خاتمه می یافت. ولی نظریه نفوذی که دولت روس در دربار محمد شاه داشت بفرافکند از امضای چنین قراردادی جلوگیری بعمل آورد. ماک نیل در گزارش مورخ ۳۰ دسامبر ۱۸۳۶ به لرد پالمستون درباره اقدامات سفیر روسیه مینویسد:

«چند روز قبل نخست وزیر در برابر بیش از ۲۰ نفر که یکی از آنان مطلب را بمن رسانید اظهار داشته که وزیر مختار روسیه تمام وسایلی را که در اختیار و قدرت داشته بکار برده است برای اینکه شاه را تحریک کرده و برای رفتن امسال بهرات وادار نماید. سیمونیچ بزعمای دولت ایران گوشزد کرده است که اگر از این فرصت استفاده ننمایند دولت بریتانیا تمام وسایل را فراهم خواهد کرد که از اقدامات ایران جلوگیری نماید.»^۲

پنجماه روز بعد باز ماک نیل ضمن گزارش مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ خود به لرد پالمستون از وضع و رفتار سیمونیچ در دربار ایران شکایت کرده و اظهار میدارد اخذ نتیجه در چنین وضعی بسیار دشوار است و جای تعجب است که دربار سن پترزبورگ تا کنون تعلیمات لازم را بتهران نداده است.^۳

۱ - کتاب جنگ ایران و انگلیس ص ۱۰ - ۱۱ ترجمه فارسی.

۲ - گزارش ۳۰ دسامبر ماک نیل به لرد پالمستون London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 43

۳ - گزارش ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ ماک نیل به لرد پالمستون London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 43

ولی بهر صورت وسایل و تحریکات دولت انگلستان و اقدامات نماینده کامران میرزا در اراده محمد شاه خللی وارد نیاورد و بالاخره در تاریخ «نوردهم ربیع‌الثانی ۱۲۵۳» علیه‌حضرت شهریار غازی بجانب هرات و ممالک مشرق‌زمین لشکر کشیده از تهران روانه شدند،^۱ و دردهم اکتبر (۱۰ رجب) «کاپیتان ویکوویچ»^۲ باردوی ایران آمد و رسماً اطلاع داد که مأموریت دارد ورود سپاه روس را باسترآباد و اشتراک مساعی آنانرا با سپاهیان ایران در تصرف هرات بعرض شاه برساند. در این مورد ماک‌نیل در گزارش دیگری به لرد پالمستون اطلاع میدهد لشکریان ایران هرات را محاصره کرده‌اند و «کاپیتان ویکوویچ» به عملیات نظامی لشکریان ایران کمک میکند.^۳ در این اوان مأمورین ایران و روس برای پیشرفت منظور خود باسراوان و سرکردگان افغانه بدسیسه و مواضع مشغول بودند،^۴ راجع به ورود سپاهیان روس باسترآباد و شرکت آنان در جنگ در کتابها و مدارک ایرانی اشاره‌ای نشده ولی راجع به‌ملاقه دولت روس به مسئله هرات در «مرآت‌البلدان» چنین مسطور است:

«هم در این اوان توقف علیه‌حضرت محمدشاه در بسطام‌نامه از علیه‌حضرت امپراطور روس رسید که عزیمت زیارت اوج کلیسای ایران فرموده و نظر به قربت جوار با مملکت ایران خواهشمند ملاقات علیه‌حضرت پادشاهی در آن سرمد شده‌اند. چون علیه‌حضرت محمدشاه عزیمت یورش خراسان داشته حضرت ولیمهد را که نفس نفیس سلطنت بودند از تبریز بملاقات علیه‌حضرت امپراطور روس فرموده و محمدطاهرخان و کیل قزوین را از اردو بدار الخلافه فرستاد. بیست‌طاقه شال افغانی کشمیری اعلی و پنج رشته تسبیح مروارید غلطان و چهارده رأس اسب عربی و ترکمنی مصحوب او ایصال تبریز داشته با محمدخان امیر نظام و حاج ملا محمود نظام‌العلماء معلم حضرت ولیمهدی و

۱ - منتظم ناصری جلد سوم - ص ۱۶۷

۲ - Captaine Wicovich

۳ - گزارش آوریل ۱۸۳۷ ماک‌نیل به لرد پالمستون

London. P.R.O.P. Fo 60 T 43

۴ - کتاب جنگ ایران و انگلیس ص ۱۱ و ۱۲

عیسی خان خال آنحضرت و میرزا محمد تقی مستوفی فراهانی و دبیر نظام و میرزا محمد حکیم باشی و سایر ملازمان و خدام آن آستان ملتزم رکاب حضرت ولیعهدی شده عزیمت ایروان فرمودند.^۱ در این ملاقات که در رجب ۱۲۵۲ برابر با ماه اکتبر ۱۸۳۶ انجام گرفت، نیکلا، تزار روس وعده داد که در قضایای هرات از مساعدت به محمدشاه کوتاهی نخواهد کرد. در این مورد ماک نیل نماینده انگلستان در گزارش شماره ۵۲ مورخ ۱۲ دسامبر خود به لرد پالمستون اطلاع میدهد که «امپراطور روس در ایران بایک نفر از وزرای ایران و نمایندگان که اعزام میشوند ملاقات خواهد کرد».^۲

در سال ۱۲۵۴ میرزا حسین خان مقدم آجودان باشی از طرف محمدشاه مأموریت یافت که سفارت اطریش و انگلستان و فرانسه رفته و ضمن ملاقات با رؤسای دولت انگلستان در لندن مداخلات ناروا و بدرفتاریهای مستر - ماک نیل را بسمع اولیای دولت بریتانیا برساند. آجودان باشی در ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۵۴ مطابق با ۱۳ سپتامبر ۱۸۳۸ از تهریز^۳ اعزام اروپا شد و از راه آسیای صغیر به اطریش و از آنجا به پاریس رفت و پس از ملاقات با سران دولت فرانسه و تقدیم تحفه و هدایا به پادشاه فرانسه^۴ چون دولت انگلستان حاضر نشد وی را بعنوان سفیر رسمی بپذیرد مانند یک نفر مسافرعادی بانگلستان حرکت کرد. در این مورد لرد پالمستون طی یادداشت شماره ۱۹ مورخ ۳۱ اوت ۱۸۳۸ به وزارت خارجه انگلستان چنین مینویسد: «شنیده شده است که حسین خان سفیر ایران برای تبریک جلوس ملکه انگلستان می آید. وضع موجود میان دو کشور ایجاب میکند که ملکه نباید این سفیر را بپذیرد. سفیر ایران از طریق استانبول، وین یا پاریس مسافرت خواهد کرد. درباره

۱ - مرآت البلدان جلد اول ص ۵۷۴ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۶۹ - تاریخ نو ص ۲۶

۲ - گزارش شماره ۵۲ مورخ دسامبر ماک نیل به پالمستون

London. P.R.O.P.R. Q.P. Fo. 60 T 48

۳ - ناسخ التواریخ جلد دوم ص ۷۳

۴ - نامه مورخ آوریل ۱۸۳۹ آجودان باشی به پادشاه فرانسه

Paris: Archives du Ministère des Affaires Etrangères danier N. 19 -

P. 23

وی نباید احترامات يك نفر سفیر را بجای آورد.^۱

در تعقیب مسافرت آجودان باشی میرزا مسعود وزیر دول خارجه طی نامه مورخ ۷ ربیع الاول ۱۲۵۵ مطابق با ۲۲ ماه مه ۱۸۳۹ ضمن دادن تعلیمات بآجودان باشی چنین مینویسد: «انکلیسها نمیخواهند باب مرآوده ودوستی را مفتوح کنند شما جدیت نمائید در هر صورت بلندن مسافرت کنید».^۲

در یادداشت مورخ اول ژوئن ۱۸۳۹ که در آرشیو وزارت خارجه فرانسه مضبوط است از طرف مأموران وزارت خارجه به دوک دالماسی^۳ وزیر خارجه آندولت اطلاع داده شده که «روز دوم ژوئن حسین خان بسمت لندن حرکت میکند بی آنکه سند رسمی داشته باشد».^۴ در این مورد ناسخ التواریخ چنین مینویسد: «مع القصة چون سفارت حسین خان در دولت انگریز پذیرفته نبود چنانکه مرقوم افتاد احوال و انتقال خود را در پاریس گذاشته مسیو جبرئیل ترجمان خود را برداشته بقانون تماشاخانه راه لندن برگرفت و از پاریس قاهره فرانسه که هفتاد و یک فرسنگ است طی مسافت کرده بشهر کالی^۵ درآمد و از آنجا بکشتی تجارقی نشسته بجزیره دور^۶ که اول خمارک انگریز است در رفت و روز دیگر وارد لندن شد. سیر کوراو زلی که سفارت ایران کرده بود او را منزل به نمود و چهل روز اقامت جست و روز بیست و سوم ربیع الثانی شرحی به لار دپالمرستون وزیر دول خارجه نگاشت که مدتی میگذرد که بانامه دوستانه و هدیه شاهانه از جانب شاهنشاه برای تعزیت

۱ - نامه شماره ۱۹ مورخ ۳۱ اوت ۱۸۳۸ لرد پالمرستون به وزارت امور خارجه انکستان
London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 48

۲ - نامه مورخ ۷ ربیع الاول ۱۲۵۵ میرزا مسعود وزیر دول خارجه به حسین خان آجودان باشی
London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 48

Duc de Dalmatie - ۳

۴ - یادداشت مورخ اول ژوئن وزارت خارجه فرانسه

Paris. A.E.P. dos. N. 19

Caleh - ۵

Douvre - ۶

پادشاه ولیم چهارم^۱ و تهنیت جلوس ملکه انگلستان مأهورم و نیز سورسلوک مستمر مکنیل را باید شرح دهم تا ایلچی دیگر بجای او تعیین شود اکنون که سفارت من پذیرفته نیست، نامه شاهنشاه ایران را تسلیم کردن شایسته نباشد.^۲ قبل از حرکت محمدشاه بهرات انگلیسیها شجاع‌الملک دشمن دیرینه امیر دوست محمدخان امیر کابل را که در هندوستان در حبس میزیست آزاد کرده مورد محبت قرار داده و مقرری برای وی تعیین نمودند. امیر دوست محمدخان از این عمل انگلیسیها ناراحت شده بتصور اینکه خیال دارند شجاع‌الملک را بامارت کابل برگزینند نماینده‌ای بنام حسینعلی خان بخدمت محمدشاه فرستاده و بیادشاه ایران پیمینهاد کرد پیمان اتحادی برضد کامران میرزا منعقد نموده و پس از شکست وی قلمروش را بین خود قسمت نمایند. همین هنگام یعنی در سال ۱۲۵۲ فرستاده‌ای نیز بنام عزیز خان از طرف کهن‌دل‌خان و شیردل‌خان برادران دوست محمدخان که در قندهار امارت داشتند بتهران آمد و بنام امرای بارکزانی اتحادی با محمدشاه منعقد ساخت. محمدشاه نیز استقلال امرای مزبور را برسمیت شناخت. در این مورد مستر ماک‌نیل در گزارش شماره ۱۰ مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ به لرد پالمرستون اطلاع میدهد که: «دولت ایران اتحادی با دوست محمدخان منعقد نموده و قرار است وی پسر خود را بدربار ایران بفرستد و سه هزار اسب تحویل ایران نماید.»^۳

راجع به آمدن نماینده دوست محمدخان بایران و اتحاد امرای بارکزانی قندهار و نقشه آوردن شجاع‌الملک از هندوستان برای امارت کابل و اعزام قوا از طرف دولت بریتانیا بسواحل جنوبی ایران و اشغال جزیره خارک و سیاست دولت روسیه تزاری در آسیای مرکزی و افغانستان و ایران نامه محرمانه‌ای بتاريخ ۱۴ اکتبر ۱۸۳۸ از مرکز هند شرقی در لندن به فرمانفرمای کسل هندوستان ارسال شده؛ از نظر اهمیت تاریخی که این نامه دارد قسمت‌هایی از آن را در اینجا درج مینمایم. فتو کپی نامه مزبور ضمن همین مقاله منتشر میشود.

۱ - William IV

۲ - ناسخ التواریخ جلد دوم سلطنت محمد شاه ص ۹۷

۳ - نامه شماره ۱۰ مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ ماک‌نیل به لرد پالمرستون

London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 47

خیلی محرمانه بفرمانفرمای کل هندوستان : از موقعی که موافقت خود را با اعزام قوا از طرف حاکم بمبئی بخلیج فارس اعلام داشتیم از ورود قوا به بوشهر و اشغال جزیره خسارک با خبر شدیم. بطوریکه اطلاع حاصل شد هیچ نوع رضایتی از مسئولان محلی ایرانی برای پیاده شدن قوا تحصیل نشده و هیچگونه مقاومتی در برابر آنان بعمل نیامده است. نماینده مقیم مادر بوشهر انتظار داشت حمله ای به قرارگاه مرکزی قوا بشود ولی این حمله بوقوع نپیوسته و معلوم میشود اصلاً پیش بینی هم نشده بود.

با وجود این میتوان حدس زد که مأموران ایرانی اشغال سرزمینشان را بوسیله قوای بیگانه بدون نگرانی نظاره نخواهند کرد، و بالا اقل شاه سیاست خود را با اطلاع از پیاده شدن قوا تغییر داده و تقاضاهای نماینده انگلستان را قبول خواهد کرد والا برای اخراج قوا از خارک و یا مصانعت از پیاده شدن نیرو در طول ساحل حتماً اقدامی بعمل خواهد آورد.

ما تأیید میکنیم که اعزام قوا بما فرصتی میدهد که بشاه بفهمانیم نفع واقعی وی کجاست و لسی ضمناً پوشیده نماند که اگر بدست آوردن نتیجه طولانی باشد قوای انگلستان متناسب با اجرای عملیات قطعی تر در ایالات جنوبی نخواهد بود. ما از این متعجب نیستیم. از وقتی که ماک نیل اردوی شاه را ترك گفته اعزام قوای را بیشتر از آنکه فعلاً در خارک متمرکز است بشما توصیه کرده است.

اتخاذ این تصمیم از طرف ماک نیل برای این بوده است که اگر هیئت های اعزامی شما در کابل و قندهار با شکست

مواجه کردند ممکن است وعده کمک‌هایی که از طرف کنت سیمولیچ سفیر روس بشاه داده شده چنان اطمینانی برای توفیق در فتح افغانستان بوی بدهد که بورود قوای بریتانیا در خارك و قعی نهد. این قوا بطور وضوح برای يك اقدام مهم غیر کافوست و بادر نظر گرفتن تمام این ملاحظات است که مساك نیل مجبور شده است اعزام پنج هزار نفر را به بوشهر که نصف آن انگلیسی باشد تقاضا نماید و احتمال دارد قبل از رسیدن این نامه بشما. اقدامات لازم در این زمینه بعمل آمده است. واضح است بایجاد شدن چنین قوایی در کسرانه‌های ایران شاه بناچار بانبروی نظامی مقابله خواهد کرد و از همین موقع جنگ عملا میان دو دولت آغاز خواهد شد. اگر قوای مادر داخل مملکت پیشروی کنند احتمالاً تعداد کثیری از اهالی بآنان خواهند پیوست و اگر شاه بخواند در مقابل پیشروی آنان مقاومت کند با اشکالات زیادی مواجه خواهد شد که ممکن است حتی پایتخت را تهدید کند. این اقدام و پیشروی که در ظاهر برای خلع شاه از سلطنت خواهد بود، شاه را مجبور خواهد کرد از تنها قدرتی که بتواند چنین وضعی را نجات دهد کمک بخواند و قطعی است که روسها نخواهند توانست از دادن کمک به متحد خود استنکاف ورزند.

حتی اگر يك جنبش انقلابی هم قبل از رسیدن متحدین، شاه را از سلطنت خلع کند روسها به پیشروی خود در ایالات شمالی ادامه داده و از چنین هرج و مرجی که ایجاد شده استفاده خواهند کرد. طبیعتاً از طرف دیگر اختلافی میان دو دولت روس و انگلیس ایجاد خواهد شد و با این وضع جنگ بکلی جنبه دیگری بخود خواهد گرفت و يك جنگ ایلاتی آسیای مرکزی بیک جنگ

دول معظم دنیای متمدن مبدل خواهد شد.
 با اینکه هیچگونه نگرانی بعاقبت چنین جنگی نیست،
 ما ترجیح می‌دهیم در يك وضع نامساعد از شروع جنگ
 اجتناب کنیم بنابراین بنظر ما اشغال جنوب ایران از طرف
 قوای بریتانیا راه حل خوبی نیست. اگر نقشه ما ایجاد
 شورشی در جنوب ایران بنفع يك مدعی تاج و تخت بود
 امکان داشت قوای پیشنهادی ماك نیل کافی باشد.

ولی شاه با اینکه بد راهنمایی میشود و بظاهر
 در این موقع مخالف با منافع انگلستان است وی با کمک
 و همکاری دو اتین انگلیس و روس بسلطنت رسیده و سلطنت
 وی بایک قرارداد ضمنی تضمین شده که حتی رفتار ناپسند
 وی اجازه لغو آن قرارداد را نمیدهد. معاهدات ما با ایران
 حاوی مواد خاص مربوط بامنیت هندوستان است. شاه باید
 امتیازاتی را که ما برای مقاومت در مقابل حمله بسرحدات
 هند بوی وعده داده ایم جبران کند.

شاه فعلی ایران بما نشان داد که وی نه تنها به
 تعهدات خود احترام نمی‌گذارد، حتی باز کردن راهی را
 بطرف هند بنفع هر دولت مقتدری که ذائقه کشور گشائی
 او را تسوازش میدهد فراهم می‌آورد. طرز رفتار وی بسا
 نماینده پادشاه انگلستان و رفتار خصمانه اش بمنزله يك
 اعلام رسمی دشمنی یا لا اقل تصمیم به قطع روابط دوستانه
 است ولی میان اقدامات و برانگیختن رعایای شاه بر علیه
 وی تفاوتی است که يك دولت نباید از نظر دور بدارد. ما
 حاضر نیستیم اقدامی را تأیید کنیم که نتیجه احتمالی
 آن بما نشان خواهد داد که برای تقسیم امپراطوری خود
 در يك جنگ داخلی شرکت کردیم.

پنجهزار سر باز انگلیسی که در بوشهر پیاده میشود
 برای خلع شاه و درهم کوبیدن و متلاش کردن دوات ایران
 کافیست ولی این رفتار متناسب با منافع و حیثیت ما نیست.
 بنابراین ما با مفاد گزارشی که رونوشت آن ضمیمه است
 و از طرف ویکونت پالمرستون وزیر خارجه علیاحضرت
 ملکه انگلستان فرستاده شده است موافق هستیم. در این نامه
 شما ملاحظه میکنید که دولت علیاحضرت مایل است
 که از طرف قوای بریتانیا هیچگونه عملیاتی در ایالات
 جنوبی ایران انجام نگیرد. پس ما موافقیم اگر اعزاء
 قوا از بمبئی آغاز نشده متوقف بمانند و اگر قوا بخلیج
 فارس رسیده است دستجات قشون بی آنکه قصد پیشروی
 داشته باشند در ساحل توقف نمایند. این تعلیمات بر اساس
 قرائن صحیحی که تا کنون برای اطلاع ما رسیده است قرار
 گرفته ولی اگر شما عواملی در اختیار دارید که ما از
 آنها بی اطلاع هستیم و میتواند خط مشی جدیدی را توجیه
 کند بر اساس آن اقدام نمائید و کمکهای لازم را مطابق
 درك خود برای انجام تمام عملیاتی که لازمست بنمائید.
 ما میل نداریم که شما قوا را از خارك خارج کنید مگر در
 صورتیکه مستر ماك نیل اختلافات خود را با شاه حل کند
 و تمام درخواستهای وی قبول شود و رضایت کامل حاصل
 گردد و وی تخلیه جزیره خارك را تعمد کرده باشد. بهر
 ترتیب بمقیده ما عاقلانه خواهد بود با ایران بتوافق
 برسیم که تملك دائمی این جزیره را بدو اگذار کنند. این
 جزیره پناهگاهی برای کشتیهای ما بوده تجارت انگلستان
 را در خلیج فارس حمایت کرده و رفت و آمد میان هندوستان
 و انگلستان را تسهیل خواهد کرد؛ شاید بتوانیم جزیره را
 بخریم و ما از هیچگونه فداکاری در این زمینه مضایقه نداریم.

با اینکه باخط مشی مال‌نیل که عبارتست از حمله و اشغال ایالات جنوبی ایران مخالفیم ولی با اتخاذ تدابیر لازم که تاکنون برای تأمین نفوذ و تفوق انگلستان در افغانستان بعمل آمده با نظروی موافقت داریم.

ما با نهایت تأسف و اطلاع پیدا کردیم که هیئت اعزامی سرهنگ سر آلکساندر برنز Burnes در کابل با شکست مواجه شده و همچنین مازور لیچز Leachs که در دربار قندهار نمایندگی داشت مجبور شده است شهر را ترک گوید. چیزی که بیشتر ما را متأثر کرده اینست که يك مأمور روسی را علناً در کابل پذیرفته‌اند و سرداران قندهار معاهده‌ای با شاه منعقد نموده‌اند که مطابق آن شاه به برقراری قدرت سرداران در هرات رضایت داده و تحت شرایطی که سفیر روس تعهد کرده اجرای مواد معاهده را تقبل کرده است. پرواضح است که این تعهد خلاف منافع بریتانیا در آسیای مرکزی است و اگر هرات بدست شاه بیفتد و وی آنجا را بسرداران قندهار بدهد این شاهزادگان و همچنین امیر کابل به تحت‌الحمایگی ایران درمی‌آیند در حالیکه خود شاه در دست روسها برای بکار بردن در فرصت مناسب جهت تهدید مستقیم امپراطوری هند ابزاری بیش نیست.

يك توجه دقیق به حفظ امنیت هند انگلیس بدون اشاره بشهرتی که ما تاکنون در نواحی مجاور سرحدات شمال غربی داشتیم برقرار کردن قدرت و نفوذی را که در این اواخر از دست داده‌ایم اجتناب ناپذیر می‌کند.

ما تاکنون در اختلافات داخلی افغانستان شرکت و دخالت نکردیم و وقتی شاه شجاع الملک اخیراً خواست بتاج و تخت خود دست یابد و بر علیه رئیس فعلی کابل پیشروی

Most Secret.

To the Right Honorable
The Governor General of India
in Council.

Since we conveyed to you an approval of the Expedition which you directed the Governor of Bombay to send to the Persian Gulf, we have received intelligence of the arrival of the Troops before Bushire and their subsequent occupation of the Island of Harrah. No attempt it appears was made to obtain the consent of the Persian Authorities to the landing of the Soldiers, neither was any effort made to oppose them. But your Resident at Bushire seems to have entertained in the first instance, apprehensions of an attack upon the English Quarters in that Town, which has not taken place.

place, nor is positively known to have been ever contemplated.

2. It is not, however, to be expected, that the Persian Authorities in that Province should view without alarm the actual occupation of a portion of their territory by a foreign force: and unless the Shah of Persia should be induced on being made acquainted with their arrival, at once to change his course of policy, and to submit to the just demands of the British Envoy, an attempt will doubtless be made, if not to dislodge the Troops from Harrah, at least to prevent their moving to any position on the main land.

3. We approved of this Expedition as affording the chance of awakening the Shah to a sense of his true interests, but we did not conceal from ourselves that should that result not be immediately produced, the force employed would be quite inadequate for any decisive operations

کرد ما بهیچ يك از طرفین كمك نكردیم . اکنون که تنها
 كوششهای ما برای ایجاد يك اتحاد با دوستم محمدخان
 و برادرانش در قندهار با شكست مواجه شد و حتی این
 شاهزادگان خود را در اختیار قدرتی قرار میدهند که بهند
 نزدیک میشود مادرك میکنیم که این موضوع متناقض با
 امنیت مستملکات علیاحضرت ملکه است. بنابراین وظیفه
 ماست که يك خط مشی سیاسی اتخاذ کنیم که از آن راه
 کابل و قندهار را در تحت فرمان سلطانی که بمناسبت حق-
 شناسی و وجود منافع، متحد و فادار بریتانیای کبیر باشد ،
 متحد سازیم .

بنظر ما این شاهزاده شاه شجاع است و ما نظر نماینده
 خود را در سفدیان که در نامه اول ژانویه ۱۸۳۸ به
 فرمانفرمای هند نوشته تأیید میکنیم. از این نامه چنین
 برمیآید که برای مستقر کردن شاه شجاع در امارت کابل
 و قندهار يك كوشش جزئی لازمست . این اقدام بهترین
 فرصتی است برای آزاد کردن این ناحیه مهم از نفوذ ایران
 و متحد خائن او. در هر صورت برای جلوگیری از امکان
 يك شكست بایستی يك كوشش و اقدام قطعی بعمل بیاید
 و وسایل لازم تهیه شود. بدین منظور باید نیروی فوق العاده
 قوی متشکل از قوای انگلیسی در سرحدات شمال غربی
 متمرکز گردد و رئیس پنجاب و امرای سند نیز بایند
 همکاری با شما را قبول کنند .

.....

اگر شاه هرات را ترك کند و روابط دوستانه با وزیر مختار
 بریتانیا برقرار کند و بی احترامی را که نسبت به ماکنیل

بعمل آمده جبران کند اقدامات احتیاطی پیش بینی
 شده ضرورتی پیدا نخواهد کرد. ولی با وجود این شما
 باید در بدست آوردن نفوذ مجدد خود در افغانستان تعجیل
 کنید و روابطی بر روی پایه ای مطمئن تر از آنکه تا کنون
 داشتید بار و سای کشور برقرار کنید. ۱۲۴ اکتبر ۱۸۳۸

امضاء J. L. Lushington

R.a. Jenkins

East . India House

London

London . P. R. O. P. Fo. T. 248/91

کامران میرزا و یار محمد خان به تحکیم برج و باروی هرات پرداخته و بیش
 از ۲۲ هزار سپاهی در آن شهر تجهیز کردند. پوتینجر^۱ از عمل سیاسی انگلیس
 بعنوان ساختگی تاجر اسب و سید علوی و پزشک خود را بهرات رساند و با
 کامران میرزا و یار محمد خان در تعمیر حصار هرات و دفاع از آنجا شرکت جست.
 در مورد وسایل دفاعی هرات مستر الیس در گزارش شماره ۲۷ مورخ اول
 آوریل ۱۸۳۶ بوزارت خارجه انگلستان مینویسد: «وسایل دفاعی کامران میرزا
 اضافه شده ولی دلیلی در دست نیست که تصور شود بتواند در برابر حمله شاه
 ایران و همکاری رؤسای قندهار مقاومت کند.»^۲

لشکریان ایران ابتدا بمحاصره قلعه غوریان که از دروازه های هرات
 محسوب میشود پرداختند دفاع از این قلعه از طرف کامران میرزا به شیر محمد خان
 برادر یار محمد خان واگذار شده بود. محاصره قلعه سه روز طول کشید و در تاریخ
 ۱۴ شعبان ۱۲۵۲ برابر با ۲۴ نوامبر ۱۸۳۶ غوریان فتح شد و «حکم پادشاهی
 به هدم بنیان قلعه شده قلعه را از بیخ و بن کنده اردوی همایونی بسمت هرات
 در حرکت آمد.»^۳

Pothinger - ۱

۲ - گزارش شماره ۲۷ مورخ اول آوریل هانری الیس به لرد پالمرستون .

Lodo. P. R. O. P. Fo. bo. T. 42

۳ - تاریخ نو ص ۲۶۲

29 The retreat of the Shah
 from Herat, - a renewal of friendly
 relations between him and the
 British Minister, and full reparation
 for the indignities of which Mr.
 McNeill has complained, - may
 render these measures unnecessary
 but even in that case -
 you would do well to lose no time
 in attempting to recover your -
 influence in Afghanistan; - and
 to establish your relations with
 the Chiefs of that Country, upon a
 more satisfactory basis, than you
 have, hitherto been able to obtain.

We are

East India House Your affectionate friends
 London
 24th October 1838 (Signed) J. L. Lushington
 " R. L. Lushington.

Commence to first
 Open with Act
 24/38
 Indifference to
 Defect to 59

پایان نامه مرکز هند شرقی در لندن به فرمانفرمای کل هندوستان
 (از اداره اسناد عمومی لندن)

اعتماد السلطنه در کتاب مرآت البلدان پس از فتح غوریان چنین مینویسد:
«توضیح آنکه بعد از وصول خبر فتح غوریان بدارالخلافه نخست جان مکنیل
صاحب وزیر مختار انگلیس و پس از او وزیر مختار دولت بهیه روس غراف
سیمونویچ صاحب بهرات رفتند و در حضرت پادشاهی اقامت گزیدند.»^۱
محاصره هرات ده ماه بطول انجامید زیرا «حاج میرزا آقاسی صدراعظم
درویش مآب ایران سوء تدبیر بخرج داده و شهر را از سه طرف در محاصره
نگهداشته بود و برای این کار چنین دلیل میآورد: - اشخاصیکه در محاصره
ناراضی و ناراحت باشند از شهر خارج میشوند در نتیجه قوای دفاعی شهر از
بین میرود.»^۲

در مدت محاصره هرات چندین بار کامران میرزا خواست که تسلیم محمد
شاه شود ولی از یکطرف نسبت بجان خود اطمینان نداشت از طرف دیگر
مستمر مآک نیل وزیر مختار انگلیس مقیم تهران که باردوی محمد شاه آمده بود
و متوجه بود که کنت سیمونویچ وزیر مختار روسیه در تحریر ص شاه بگرفتن هرات
پا فشاری مخصوص دارد، بطور محرمانه بوسیله ایادی خود در هرات از تسلیم
کامران میرزا بیاد شاه ایران جلوگیری میکرد و میکوشید بهرنحوی که شده
هرات را از تسلط محمد شاه مصون نگهداشته و از ورود لشکریان ایران بآن
سامان جلوگیری کند.

عللی که بتوان برای مخالفت دولت بریتانیای کبیر و نمایندگان آن دولت
برای تسلط ایران بهرات ذکر نمود بقرار زیر است:
۱ - دولت بریتانیای کبیر میدانست تاحدی لشکر کشی ایران بطرف هرات
از طرف روسها پشتیبانی میشود.

۲ - دولت انگلستان توجه داشت که نفوذ دولت روس پس از انعقاد

۱- منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۷۱.

۲- تاریخ نوم ۲۶۴.

معاهده تر کمینچای در دربار ایران فوق العاده زیاد شده و تمام مواد این عهدنامه بنفع روسها است و هرگاه دولت ایران بهر عنوانی در هر ناحیه ای از افغانستان یا هرات مستقر شود دولت روس نیز در همان نواحی امتیازات سیاسی و اقتصادی را که بر طبق معاهدات منعقد شده پس از جنگ دوم ایران و روس در ایران تحصیل کرده است در این نواحی که سر راه هندوستان است بدست خواهد آورد.

۳ - بالاخره چون دولت ایران حاضر نشده است امتیازاتی را که مطابق معاهدات تر کمینچای بر روسها داده است با انگلیسیها نیز بدهد سیاستمداران دولت بریتانیای کبیر از اولیای دولت ایران نگران و ناراضی بودند.

در محرم ۱۲۵۴ مطابق با ماه مارس ۱۸۳۸ مستر ماک نیل بعنوان اینکه واسطه صلح بین کامران میرزا و محمدشاه شود به اتفاق مهدیخان قره پایاخ از صاحب منصبان ایران و چهار نفر سوار داخل هرات شد. ماک نیل برخلاف وعده وساطت صلح که داده بود بر عکس کامران میرزا را با پول و وعده به پایداری و ادامه جنگ تشویق کرد و حتی طرح معاهده ای که در آن تمام درخواستهای محمدشاه از طرف کامران میرزا مورد قبول واقع شده و با اساس اختلاف و اصل مطلب یعنی تسلیم هرات اشاره ای نشده بود باصلاح دید ماک نیل بوسیله یار - محمدخان وزیر کامران میرزا تهیه شد. این معاهده بوسیله سفیر انگلیس در شب ۲۵ محرم ۱۲۵۴ بحضور محمدشاه تقدیم شد و مورد قبول نگردید.

محاصره هرات که دفاع آن از داخل بوسیله پوتین جر، اداره میشد و از خارج نیز مستر ماک نیل برای شکست و عدم موفقیت لشکریان ایران از هیچ اقدامی فروگذار نمی کرد، بطول انجامید و وضع محمدشاه روز بروز سخت تر و مشکل تر میشد و در واقع جنگ بین سیمونیچ وزیر مختار روسیه و ماک نیل وزیر مختار انگلستان جریان داشت. علاوه بر ماک نیل «سرهنگ استوارت» وابسته نظامی دولت انگلیس نیز در ایران دائماً در اردوی محمدشاه بود و عجیب تر اینکه پوتین جر «همیشه بالباس مبدل بار دوی شاه ایران رفت و آمد مینمود و با کنفل استوارت ملاقات و مشورت میکرد و حتی بوسیله کنفل استوارت با حاجی میرزا آقاسی ملاقات نمود»^۱. ماک نیل چند بار بعنوان وساطت و برقراری صلح میان کامران

میرزا و محمدشاه مداخله کرد و هر بار صورت قراردادی به محمدشاه تسلیم نمود ولی نه شاه و نه حاجی میرزا آقاسی حاضر نبودند پس از آن همه معطلی و محاصره هرات دست خالی و بی‌اخذ نتیجه ترك مخاصمه نمایند و تصمیم داشتند لااقل پولی از دولت انگلیس دریافت دارند. ولی ماک‌نیل چون از یکطرف میدانست محمدشاه دیگر قادر بادامه محاصره و تسخیر هرات نیست و ازطرف دیگر حاکم بوشهر نسبت بنمایند بریتانیای کبیر آزرده خاطر بود، از طریق دیپلماسی بدولت ایران فشار وارد می‌آورد و بهیچوجه حاضر نمیشد بدرخواستهای محمدشاه ترتیب اثر دهد.

بالاخره پس از مدت‌ها مذاکره میان محمدشاه و ماک‌نیل، محمدشاه که از تحریکات سفیر انگلیس در هرات و تقویت و تحریم و ترغیب کامران میرزا از طرف عمال انگلیسی برای پایداری در مقابل لشکریان ایران کاملاً اطلاع داشت، وقعی به پیشنهادات و اقدامات ماک‌نیل نمی‌نهاد بطوریکه بالاخره سفیر انگلستان بعنوان اعتراض و تهدید در تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۵۴ مطابق ۷ ژوئن ۱۸۳۸ اردوی محمدشاه را ترك گفت و از راه مشهد عازم تهران گردید.

در شاهرود از طرف دولت انگلستان به ماک‌نیل دستور رسید که وی اعتراض و عدم موافقت دولت خود را با اقدامات دولت ایران جداً با اطلاع محمدشاه و اولیای دولت ایران برساند و بهمین مناسبت سرهنگ استوارت از شاهرود بارودی محمدشاه اعزام شد که به پادشاه ایران پیغام دهد که دولت انگلستان عملیات برضد هرات را بمنزله تهدید هندوستان تلقی کرده و قذکر میدهد که این اقدام مخالف مواد عهدنامه مودتی است که میان دولتین ایران و انگلستان منعقد شده. در همین موقع نماینده دولت انگلستان یادآوری کرد که پنج فروند کشتی انگلیسی بعنوان اعتراض بآبهای خلیج فارس آمده و جزیره خارک نیز از طرف قوای انگلیسی اشغال شده است.

ماک‌نیل در ضمن از همانجا نامه‌ای بکامران میرزا فرستاد و بوی توصیه کرد که تسلیم نشود تا او بلندن برسد و از اقدامات و زحماتی که تا کنون در این راه متحمل شده نتیجه‌ای بگیرد.

سپاهیان ایران در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۲۵۴ عملیات خود را آغاز کردند و حصار هرات را گلوله باران نمودند و پس از شش روز بمباران برج و باروهای شهر بحمله مبادرت کردند و قناکناز خندق رسیدند و بعضی هم از خندق عبور کردند ولی بعلت مقاومت سرسختانه افغانه و آب خندق و تلفات زیاد نتوانستند داخل شهر شوند و در همین حمله که بزرگترین حادثه محاصره ده ماهه هرات می‌باشد سر تیپ بروکلی از امیرزادگان مهاجر لهستان که در خدمت نظام ایران بود بقتل رسید.

نقشه حملات را کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه کشیده بود و چون دولت انگلستان از اقدامات و اعمال وزیر مختار روسیه بدربار پطرزبورگ شکایت کرد، وزارت امور خارجه روسیه هم برای نشان دادن اینکه کارهای سیمونیچ بی اجازه دولت مرکزی بوده وی را احضار نمود.

سرهنگ استوارت در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۲۵۴ باردوی محمدشاه رسید. قبل از رسیدن وی سپاهیان ایران حمله سخت دیگری در هشتم همان ماه بهرات کرده بودند و نزدیک بود کامران میرزا تسلیم شود ولی نظر باینکه استوارت محمدشاه را تهدید به جنگ نمود و روس‌ها نیز در سخت‌ترین و حساس‌ترین لحظات از کمک و مداخله و حمایت ایران دست برداشته بودند، محمدشاه ناچار در ۱۸ جمادی‌الثانی مطابق با ۸ سپتامبر ۱۸۳۸ بی‌اخذ نتیجه از محاصره هرات دست برداشت و کلیه تقاضاهای دولت انگلستان را پذیرفت و باین ترتیب دولت ایران عملاً از تصرف هرات چشم پوشید و انگلیسی‌ها آن شهر را تسخیر و اشغال کرده و شروع بعملیات عمرانی نمودند.

پایان